

بیانات در مراسم بیعت نخست‌وزیر و هیات وزیران / ۱۳۴۸/۰۲/۱۶

حقیقت این است که در طول ده سال گذشته، یاد چنین مصیبتی دل ما را به لرزه می‌انداخت و باور نمی‌کردیم که بتوانیم مصیبت این حادثه را تحمل کنیم. همه‌ی ما یتیم شدیم. مسلمانهای کشورهای دیگر هم احساس یتیمی می‌کنند. امام عزیز، با عظمت شخصیت خودش، توانسته بود به اینها هویت وامید بدهد و چشم‌انداز روشنی را در مقابل آنها ترسیم کند. زمان ما، زمان بروز حوادث بزرگ، هم در سطح جهان و هم در ایران بود. انقلاب و جمهوری اسلامی، دو پدیده‌ی فوق‌العاده بزرگ عصر حاضرند. حاکمیت ارزشهای اخلاقی و معنوی در نظام ما به معجزه شبیه است؛ زیرا در همه‌ی دنیا تلاش می‌شود که این ارزشها را منزوی کنند و یا به فراموشی بسپارند.

پیام به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت / ۱۳۴۸/۰۲/۱۸

او، رهبر و پدر و معلم و مراد و محبوب ملت ایران و امید روشن همه‌ی مستضعفان جهان و بخصوص مسلمانان بود. او، عبد صالح و بنده‌ی خاضع خدا و نیابشگر گریبان نیمه‌شبها و روح بزرگ زمان ما بود. او، الگوی کامل یک مسلمان و نمونه‌ی بارز یک رهبر اسلامی بود. او، به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. و او، ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید. و او، صلاک استقلال و آزادی را در سراسر جهان سرداد و امید را در دل‌های ملت تحت ستم جهان زنده کرد. و او، در عصری که همه‌ی دستهای قدرتمند سیاسی برای منزوی کردن دین و معنویت و ارزشهای اخلاقی تلاش می‌کردند، نظامی بر اساس دین و معنویت و ارزشهای اخلاقی پدید آورد و دولت و سیاستی اسلامی بنیان نهاد. و او، جمهوری اسلامی را ده سال در میان طوفانهای سهمگین و حوادث سرنوشت‌ساز، قدرتمندانه اداره و حراست و هدایت کرد و به نقطه‌ی مطمئن رسانید. ده سال رهبری او برای مردم و مدیران ما، یادگاری فراموش‌نشده‌ی و ذخیره‌ی بس گرانبه‌است.

بیانات در مراسم بیعت اعضای شورای نگهبان / ۱۳۴۸/۰۲/۲۱

رهبر کبیر عزیز و امام فقید بزرگوار ما، چهره‌ی درخشانی در عالم بود و حقیقتاً مثل او را نه در این زمان و نه در زمانهای گذشته نداشتیم و در میان چهره‌های معروف عالم - بعد از انبیا و اولیا (علیهم‌السلام) - شخصیتی با این عظمت و خصوصیات مثبت و جامع‌الابعد و جامع‌الاطراف سراغ نداریم. من عقیده‌ی قاطع دارم که اگر این بزرگوار همه‌ی آن خصوصیات مثبت چون: علم و قاطعیت و هوش و شجاعت و اراده را دارا بود، ولی اخلاص و ارتباط با خدا و تنزه از شرک - به معنای تجنب از احوای خود و دیگران - را نمی‌داشت، به این توفیقات دست نمی‌یافت. این توفیقات بزرگ در زمانی به وجود آمد که تمام نشانه‌ها حکایت از انزوای دین و کهنه شدن و فرسوده شدن آن و رومدن تفکرات و اخلاق و شیوه‌های مادی و حاکمیت هوسهای شیطانی و بشری در دنیا داشت. کار عظیمی که او انجام داد، این بود که در چنین دنیایی که اقیانوسی از لجن را در خود جای داده بود و افراد خجالت می‌کشیدند نام دین و ارزشهای الهی را بر زبان آورند او توانست ارزشهای الهی را مطرح و بزرگ کند و پرچمش را در جهان به اهتزاز درآورد. کاری که او انجام داد، جز با کار انبیا قابل مقایسه نیست؛ حتی با هیچیک از حرکاتی که مصلحان بزرگ کرده‌اند، قابل مقایسه نیست. قرن حاضر، قرن ظهور مصلحان بزرگ است. از نیمه‌های قرن گذشته تاکنون، چه قدر مصلحان بزرگ و انقلابیون و سیاستمداران پیدا شدند و حرکات عظیمی در دنیا و یا در بخشی از آن به راه انداختند؛ در عین حال حرکت هیچکدام از آنها قابل مقایسه با این تحرک عظیم و رنسانس معنوی جهانی که به وجود آمد، نیست. در پارلمانهای کشورهایی که دهها سال رسماً در آنجا دین جرم محسوب می‌شود و ترویج آن ممنوع است و به عنوان یک پدیده‌ی قدیمی و زیاده‌ی و منسوخ و از مد افتاده و مضر تلقی می‌شود، اسم خدا بر زبانها آمد و نطقاً با «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» شروع شد. در دنیای مادی، پرچم معنویت و اسلام بلند شده است و این موفقیت، چیز کوچکی نیست. همه‌ی این توفیقات، به دست قوی آن رهبر عظیم ایجاد شد. البته حرکت را ملت ایران کرد؛ اما ملت ایران را جز آن دست قوی و آن شخصیت عظیم - با همه‌ی خصال و صفات ویژه و استثنایی - کسی نمی‌توانست به حرکت درآورد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۴۸/۰۲/۱۲

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آنهاست؛ بهانه‌ی برای انزوای اهل دین و نیرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ی برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنانکه در صدر اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه‌ی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت). اسلام امریکایی، اسلام انسانهای بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ی برای زراندوزی یا قدرت‌طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محایا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تاویل می‌کنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و روسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت ننگین خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تامین سود خود، یا بر همه‌ی فضیلتها و ارزشها می‌کوبند. آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می‌داند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند؛ و این چیزی است که ملت‌های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۴۸/۰۲/۲۳

امام بزرگوار ما کارهای بزرگ متناسب با بزرگی خود انجام داد و من امروز بعضی از آنها را به یاد شما می‌آورم. یقیناً اگر تحلیل‌گرها و متفکران کارهای بزرگ امام امت را فهرست کنند، چند برابر آن چیزی خواهد شد که من امروز آنها را برمی‌شمارم. اولین کار بزرگ او، احیای اسلام بود. دو بیست سال است که دستگاه‌های استعماری سعی کردند تا اسلام به دست فراموشی سپرده شود. یکی از نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاستمداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم! قبل و بعد از آن نیز پول‌های گزافی خرج شد تا اسلام در درجه‌ی اول از صحنه‌ی زندگی، و در درجه‌ی دوم از ذهن و عمل فردی انسانها خارج شود؛ چون می‌دانستند این دین، بزرگترین مانع در راه چپاول قدرتهای بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسانها و صحنه‌ی سیاسی جهان برگرداند.

بیانات در دیدار خانواده شهدا و ایثارگران / ۱۳۴۸/۰۸/۲۲

مسئله این است که امروز شما در مقابل دنیایی که قدرتمندانش تصمیم گرفته‌اند با اسلام مبارزه بکنند - چون از اسلام می‌ترسند و از او ضریب خورده‌اند - می‌خواهید اسلام را عزیز و زنده کنید. کار خیلی مهمی است. من به شما می‌گویم که بالاخره کارتان را پیش خواهید برد و سرانجام شما هستید که به کوری چشم کسانی که نمی‌توانند ببینند، اسلام را عزیز خواهید کرد.

قدرتمندان دنیا و امپراتورهای زر و زور خیال نکنند که خواهند توانست با سختگیریهایی از قبیل آنچه که در اروپا و کشورهای اسلامی و جاهای دیگر علیه مسلمانها انجام می‌گیرد، اسلام را از صحنه خارج کنند. روز طلوع اسلام فرا رسیده و اسلام در صحنه ماندنی است. آن وقتی که می‌توانستند اسلام را منزوی کنند، گذشت. سالهای متمادی اسلام را منزوی کردند و این انزوا به قدری بود که دیگر از آن نمی‌ترسیدند؛ چون خطری برایشان نداشت. اسلام فراری، اسلام مخفی شده، اسلامی که مسلمانهایش ننگشان می‌آید بگویند ما مسلمانیم و ننگشان می‌آید در اول سخنرانیهایشان «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» بگویند، هیچ خطری برای استکبار ندارد.

نمایندگان جمهوری اسلامی، مردانه و قدرتمندانه، نام خدا را در تمام تریبونهای بزرگ دنیا عظمت بخشیدند و به آن افتخار کردند. آن وقت دیگران دیدند که از قافله عقب مانده‌اند و لذا خالد بعضی از سران مسلمان وقتی می‌خواهند در جایی نطق کنند، اول کار «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» می‌گویند! خجالت می‌کشیدند «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» بگویند. اصلا اسم خدا را نمی‌آوردند و ننگشان می‌آمد. اسلام این گونه در غربت بود.

بنابراین، از چنین اسلامی نمی‌ترسیدند؛ همچنان‌که از اسلام زراندورانی مثل سعودی و امثال او نمی‌ترسند. امریکا، از اسلام نوکرماهایی مثل بعضی از دولتهای دیگر نمی‌ترسد - آن اسلام ترس ندارد - از آن اسلامی می‌ترسد که اسلام ناب است، اسلام قرآنی است، اسلام جهاد و مبارزه و اسلام توکل به خداست؛ یعنی همان اسلامی که در دست مردم انقلابی ما و در دست شماسست و دست جوانهایمان بود که رفتند و جنگیدند و شهید شدند. از این اسلام می‌ترسند.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

امروزه قلمهای مزدور و دستهای فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی از سوی روشنفکر نمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوریهای عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

موضوعیهای دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاد این‌که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ی دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً این‌که تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زبوره‌های مادی و سو استفاده از مکانت اجتماعی، خطریش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاقت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاقت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را - که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است - به‌هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ فولی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پر کنند.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۶۹/۰۲/۰۷

جدایی دین از سیاست که توطئه‌ی دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه‌ی کشورهای اسلامی در مقابله با سیاستهای استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملت‌های مسلمان شمرده شود.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی زمینی سپاه / ۱۳۷۰/۰۲/۲۱

آن نکته‌ی اصلی در باب سپاه این است که بلاشک در طول جنگ، سپاه عنصر موثر و تعیین‌کننده‌ی جنگ بود و اکثر فتوحاتی که ما از اول تا آخر جنگ داشتیم، با نام سپاه همراه است؛ یا منحصرأ متعلق به سپاه بود، یا سپاه در آنها نقش اصلی و مهم را ایفا کرده است. این، برای چه بوده است؟ این سوالی است که البته پاسخش هم برای همه‌ی شما واضح است. هرچند ممکن است برای بسیاری از آیندگان ما این پاسخ واضح نباشد، لیکن همین پاسخ، راز استمرار پیروزی در صحنه‌ی مبارزه‌ی بزرگی است که ما همچنان درگیرش هستیم. واقعا علت این پیروزیها و این پیشرفتهای چه بود؟ پاسخ در یک جمله است: فداکاری ناشی از تدین انقلابی. تدین منهای روحیه‌ی انقلابی، با گوشه‌گیری و انزوا و عدم تحرک هم می‌سازد؛ اما تدین با روحیه‌ی انقلابی - که همان دین خالص و ناب و صحیح و قرآنی است - روحیه و حالتی را با خودش همراه دارد که فداکاری و ایثار و ابتکار و کوچک شمردن موانع و اتکای به خود و اعتماد مطلق و توکل به خدای متعال در آن هست.

این روحیه‌ها موجب شد که در موارد متعددی، شماها به عنوان فته‌ی قلیله، بر فئات کثیره فایق بیایید. این باید حفظ بشود. مواظب باشید که این از ما گرفته نشود. اگر خدای نکرده گرفته بشود یا متزلزل گردد، موجودیت نیروی مسلح انقلابی، دیگر معنا نخواهد داشت؛ حرکت انقلابی سابقه‌داری که دنیا را به خودش متوجه کرد، معنا و تحقق نخواهد داشت. این، با تربیت دایمی دینی است، که البته آقایان محترم علمایی که تشریف دارند، و نیز دفتر نمایندگی و گروه‌های عقیدتی، سیاسی، زمینه‌ساز و سررشته‌دار این قضیه برای تعلیم و درس و آموزش و بعضی از مراقبت‌ها؛ اما حقیقت و قوام قضیه، به اراده و خواست تک‌افراد و فرماندهان است.

بیانات پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه / ۱۳۷۰/۰۷/۲۲

قرآن صریحاً وعده کرده است که «لیظهره علی‌الدین کله». قرآن با زبانهای مختلف گفته است که این حقیقت و این سلسله‌ی ارزشها در تاریخ بشریت، بر همه‌ی شبه‌ارزشها و ضد ارزشها فایق خواهد آمد. قرآن صریحاً گفته است که «العاقبه للمتقین»؛ فرجام کار، متعلق به مومنان و پرهیزگاران است. چگونه ممکن است اسلام درحالی‌که در کنج عزلت و انزواست، بر تفکرات پوشالی و تحمیلی و ارزشهای ضد ارزش و تحمیل‌شده‌ی بر بشریت مظلوم فایق بیاید؟

سالها اسلام بود، اما نه در صحنه‌ی فعالیتهای اساسی عالم. یک دوران طولانی، اسلام در دستگاه حکومت‌های مسلمان‌نام و بی‌خبر از اسلام، منزوی بود. در طول سلطنت‌های مفصل ایران و عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بودند، اسلام به معنای حقیقی کلمه در دستگاهشان نبود؛ اسلام منزوی بود. بعد هم که از دو، سه قرن پیش به این طرف، دوران پیشرفت غرب و اروپا پیش آمد و ارزشهای مادی به شکلهای مختلف بر دنیا حاکم شد، اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاد؛ حتی سعی می‌کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند؛ سعی می‌کردند تا کشورهای مسلمان را هم با تفکرات لایبکی و غیر اسلامی حتی از صورت اسلام جدا کنند. «بسم‌الله» گفتن در اول حرف زدن ننگ بود. نماز خواندن ننگ بود. مسلمان زیستن به معنای واقعی محال بود. تظاهرات اسلامی، بیشتر تشریفاتی بود. از معنویت اسلام، از جهاد اسلام و از ارجحیت اسلام در مقابل رقیبهای مادی، خبری نبود. در آن شرایط، وعده‌ی «لیظهره علی‌الدین کله»، چگونه می‌توانست عملی بشود؟

برای این‌که وعده‌ی خدا - یعنی پیروزی اسلام بر همه‌ی کفر و الحاد، پیروزی ارزشهای الهی بر همه‌ی مادیگریهای کوتاه‌نظرانه - به تحقق بپیوندد، باید اسلام در

عرصه‌ی زندگی خودش را مطرح می‌کرد. خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان عملی شود، و شد. آن عبد صالح، آن جانشین بحق پیامبران و اولیای دین، آن انسان وارسته‌ی از مادیات در وجود و در زندگی و در اندیشه‌ی خود، آن انسان هم‌مرد شده‌ی در اسلام و فانی در الله، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیشقراول و مبشر این راه و دست تواناک اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد. اسلام به وسط صحنه آمد و در دنیا مطرح شد. اول آن را جدی نگرفتند؛ اما پس از آن‌که خطر آن را درک کردند، توطئه‌ها را با شدت هرچه تمامتر آغاز کردند؛ که یکی از آن توطئه‌ها، جنگ هشت‌ساله بود. اما همت این ملت مومن، این شاگردان آموزش‌یافته‌ی در مکتب دین، این استفاده‌کنندگان از نفس گرم آن عبد صالح و بنده‌ی فانی فی‌الله، و همت شما جوانان مومن و عاشقان راه خدا، باعث شد تا بتوانید بسلامت از این تجربه‌ها بیرون بیایید و انقلاب و اسلامتان را درخشانتر کنید. در این سالهای دشوار امتحان، کاری شد که اسلام - که بناست برای غلبه‌ی بر ارزشهای ضد الهی و ضد انسانیت به وسط صحنه بیاید - هرچه بیشتر به وسط صحنه آمد؛ خود را در دنیا مطرح کرد و ارزش و قدرت و عمق وجود خود را نشان داد. امروز بعد از پایان اردویندیه‌های استکباری دوگانه در عالم، و به ظاهر یکسو و یک‌جهت شدن قدرتهای مادی و استکباری، چشمها به سوی این قهرمان هزاروچهارصد ساله - یعنی پرچم اسلام و پرچمدار بزرگ آن، ملت عظیم‌الشان ایران - است که امروز برخاسته، گرد و غبار زمانه را از خود فرو ریخته، به وسط صحنه آمده، مسوولیت خود را به دنیا اعلام کرده، و با قدرت هرچه تمامتر در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی ایستاده است.

همه متوجه شما هستند؛ هم قدرتهای چپاولگر عالم و جهان‌خواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفه به سود کدام طرف سنگینتر خواهد شد. امروز ملت فلسطین چشمشان به شماست. ملت‌های مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته‌اند، در دلشان فروغ امیدی از سوی شما هست. این همان سکوی است که باید ملت مسلمان ایران، و به دنبال آن دیگر ملتها، به سوی «لیظهره علی‌الدین کله» پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوت اراده، توکل به خدا، آمادگی معنوی و مادی می‌خواهد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان بوشهر / ۱۳۷۰/۱۰/۱۱

اسلام را در کنج انزوا قرار داده بودند. جهان‌خواران و غارتگران عالم، داشتند کاری می‌کردند که از اسلام نامی بر صفحه‌ی روزگار و در دل‌های مردم باقی نماند؛ قصد داشتند اسلام را بکلی از بیخ و بن ببرند. این کار را آسان هم نکرده بودند؛ میلیاردها خرج کردند. نقشه‌کشها و متفکران مزدورشان، شبها و روزها و سالهای متمادی فکر کردند، آدمها کشتند، شهرها ویران کردند، حکومتها بردند و حکومتها به جای آنها آوردند، در همه‌ی جای کشورهای اسلامی علما را کشتند، مدارس را ویران کردند، نام دین را از صفحه‌ی در و دیوار شهرها شستند، تا شاید بتواند اسلام را از بین ببرند.

این کارها کی انجام گرفت؟ این کارها مربوط به هزار سال و پانصد سال و دوپست سال قبل نیست؛ مربوط به همین عمر من و شماست. در دوران رژیم منحوس پهلوی، در همین کشور این کارها انجام شد. در همین شهرها، حتی در همین روستاها، و در همه‌ی جای دنیا اسلام، خصمانه و با دل پر از کین، داشتند با اسلام می‌جنگیدند، تا اسلام را بکلی از صفحه‌ی روزگار زایل کنند و از بین ببرند. چرا؟ چون اسلام با قدرت‌طلبی‌هاشان، با سلطه‌گرهایشان، با غارتگرهایشان، با آدمخوارهایشان، با فسادهایشان، با فحش‌هایشان، با آدم‌کشیهایشان، با توطئه‌هایشان بر ضد انسانیت مخالف بود. می‌خواستند آزاد و بی‌مهار باشند و هر کاری که می‌خواستند، بکنند؛ اما اسلام مانع بود. لازم می‌دانستند که اسلام را از بین ببرند، و داشتند می‌بردند، که این انقلاب الهی مثل فجر نوری درخشید.

قبل از این انقلاب، آن‌جایی که در دنیا مسلمانان زندگی می‌کردند، از مسلمانی خودشان احساس افتخار نمی‌کردند. خیلی از مسلمانان به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غیرمسلمین داشتند، دم از مسلمانی نمی‌زدند. ملت‌های مسلمان هر جا بودند، خود را کوچک، زبردست و حقیر احساس می‌کردند. انقلاب مانند کوره‌ی آتش‌فشانی دنیا را تکان داد و همه چیز را دگرگون کرد؛ باورها را عوض کرد، احساسها را عوض کرد، مسلمانان را عوض کرد؛ نه فقط در ایران، بلکه در همه‌ی دنیا اسلام.

امروز سران کشورهای مسلمان، حتی آنهایی که از اسلام بهره‌ی چندانی هم ندارند، خود را مجبور می‌بینند که به اسلام تظاهر کنند؛ چرا؟ چون ملتها اسلام را می‌خواهند. امروز دستگاههای کفر و استکبار جهانی، در مقابل مسلمین احساس رعب می‌کنند. چرا؟ چون مسلمانان دیگر احساس حقارت ندارند. مسلمانان، امروز در هیچ نقطه‌ی دنیا از مسلمانی خودشان خجالت نمی‌کشند؛ بلکه به آن افتخار می‌کنند؛ اینها را انقلاب کرد.

در این حرکت عظیم، نقش همین بچه‌های شما، همین شهیدان شما، همین به‌خون‌غلتیدگان جبهه‌های نبرد و سایر جبهه‌ها، نقش اول است. ما امروز هنوز قادر نیستیم عظمت این کار را درک بکنیم؛ تاریخ درباره‌ی اینها قضاوت خواهد کرد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۰/۱۲/۰۱

بلاشک دنیا، دنیای دیگری شده است. آن روزی که این انقلاب به پیروزی رسید، وضع اسلام در دنیا این نبود که امروز هست؛ خیلی متفاوت بود. آن روزی که این نهضت شروع شد، وضع اسلام و دین و دینداری در داخل همین کشور هم این نبود که شما امروز مشاهده می‌کنید؛ دین، غریب و مظلوم و منزوی بود؛ از دین برائت می‌جستند؛ حتی دیندارها از دینداری خجالت می‌کشیدند! وضع فرهنگ غیردینی - بلکه ضد دینی - به جایی رسیده بود که بزرگترین تعریف دینی از یک جوان این بود که بگویند فلان جوان نمازخوان است! همه چیز به سمت دوری از اسلام و دوری از خدا بود. در و دیوار این کشور را به گناه آلوده کرده بودند. بعضی از ظواهر محفوظ بود؛ اما از باطن دین، از روح دین، از حرکت عمومی به سمت هدفهای دین خیری نبود؛ و این در ایران بود که مردمش یکی از متدین‌ترین مردمان مسلمان در کشورهای گوناگون بودند. در بعضی کشورهای دیگر اسلامی، وضع مثل این‌جا بود؛ در بعضی جاها هم وضع بدتر بود. سران کشورهای اسلامی یادشان نمی‌آمد که مسلمانند! در مجامع سیاسی و رسمی اسلامی، چیزی که مطلقاً به یاد کسی نمی‌آمد، این بود که یک حرکت و یک تظاهر اسلامی انجام بگیرد، یا از یک تظاهر ضد اسلامی جلوگیری بشود؛ اصلاً چیزی به عنوان اسلام مطرح نبود!

امروز کار به جایی رسیده است که دشمنان اسلام و دین - منظور، دشمنان فردی و شخصی و اعتقادی نیست؛ دشمنان سیاسی است؛ آنهایی که دینداری مردم را سدی در مقابل اطماع و هوسها و شهوات خود می‌بینند - از گسترش دین در سطح عالم، به عنوان یک پدیده‌ی خطرناک یاد می‌کنند؛ ما باید به این واقعیت خیلی توجه کنیم؛ این کار کیست؟ این کار شماست؛ این کار جهاد عظیمی است که ملت ما انجام داد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۱/۰۲/۲۰

امروز جامعه‌ی اسلامی ما، این را می‌خواهد و ابرقدرتها حاضر نیستند چنین چیزی را تحمل کنند. زندگی ابرقدرتها، بر زورگویی بنا شده است؛ بر زیاده‌طلبی بنا شده است؛ بر تصرف محیطهای زندگی ملتها و محروم کردن آنها به نفع خود، بنا شده است. لذا می‌بینید از جمهوری اسلامی، ناخشنود و ناراضی‌اند. تبلیغات می‌کنند؛ فشارهای تبلیغاتی وارد می‌آورند؛ فشارهای سیاسی وارد می‌کنند؛ محاصره‌ی اقتصادی می‌کنند و با هرچه که در توان و قدرت دارند، سعی می‌کنند جمهوری اسلامی را در انزوا و در زیر لطمات و ضربات خود قرار دهند. این، به خاطر ترس از عدالت است؛ ترس از آن عدالت اسلامی که منادی آن، شما ملت ایران هستید.

ملتها عدالت را دوست دارند. تشنه‌ی عدالتند؛ و اگر ببینند ملتی پرچم عدالت را در دست گرفته است و در مقابل قلدرها و زورگوهای عالم و در راه عدل، فداکاری و ایستادگی می‌کند، دلگرم و امیدوار می‌شوند. و این، اتفاق افتاده است. از بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، ملتها دائم به شما نگاه کرده‌اند که ملت ایران هستید. به فداکاری شما، به صبر شما، به وفاداری شما، به اسلام و قرآن، به عشق شما به قرآن و اسلام و مقام ولایت عظمی، به علاقه‌ی شما به پیمودن این راه، به ایمان شما، به این‌که زندگی خوب در سایه‌ی ایمان اسلامی تامین می‌شود و لاغیر، نگاه کرده‌اند.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا / ۱۳۷۱/۰۲/۲۳

وقتی زور حاکم است، وقتی فساد حاکم است، وقتی دروغ حاکم است، وقتی بی‌فضیلتی حاکم است، کسی که دارای فضیلت است، دارای صدق است، دارای نور است، دارای عرفان است و دارای توجه به خداست، جایش در زندانها یا در مقتل و مدیح یا در گودال قتلگاههاست. وقتی مثل امامی بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوترانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوی بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسانها آمد، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید، یعنی این خصلتها می‌آید؛ یعنی این فضیلتها می‌آید؛ یعنی این ارزشها مطرح می‌شود. اگر این ارزشها را نگه داشتید، نظام امامت باقی می‌ماند. آن وقت امثال حسین بن علی علیه‌السلام، دیگر به مدیح برده نمی‌شوند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مومن را، جوان بااخلاص را - که هیچ چیز نمی‌خواهد جز این‌که میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند - در انزوا انداختیم و آن آدم پروری افزون‌خواه پرتوقع بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله‌ی بین رحلت نبی اکرم صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه و شهادت جگرگوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاهتر ممکن است بشود و زودتر از این حرفها، فضیلتها و صاحبان فضایل ما به مدیح بروند. باید نگذاریم. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم. پس، عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود. عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند. امروز بحمدالله مسوولین دلسوز و علاقه‌مند و رئیس جمهور انقلابی و مومن بر سر کارند، و کشور را می‌خواهند بسازند. اما عده‌ای، سازندگی را با مادیگرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادیگری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج / ۱۳۷۱/۰۸/۲۷

سیاستهای امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استکبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام می‌ترسند. علنا اظهار می‌کنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را می‌بینیم. این، یک واقعیت است. امروز ملت ایران یک ملت منزوی نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلا به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آنجا رفته‌اند بپرسید و بشنوید که چطور ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین که در محاصره‌ی دشمنان انسانیت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار می‌دهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید می‌کند! ببینید چطور احساس کرده است که راه، آن راهی است که شما رفتید و باید همان راه را برود تا دشمن را شکست دهد! این، احساسات اسلامی است که روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند. کانون این احساسات، همین کشور مقدس اسلامی شما بود و الان هم هست. از این روست که استکبار، به طور مداوم برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه‌هایش هم برنامه‌هایی است که انسان اگر با بصیرت نگاه کند، می‌تواند آنها را بشناسد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۲/۰۲/۲۸

آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متهم می‌کنند و از سوی دیگر با تحلیلهای دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می‌سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است! این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه‌گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه‌ی اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرایطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) و در راس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن، برای منزوی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

بیانات در مراسم صبحگاه مشترک پادگان لشکر ۲۱ حمزه آذربایجان / ۱۳۷۲/۰۵/۰۶

به‌خود ببالید ای ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران! به‌خود ببالید ای جوانان فداکار! به خود ببالید ای آحاد مردم که در کسوت مقدس بسیج، با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، همکاری خالصانه و صادقانه خودتان را همیشه داشته‌اید و همواره گره‌گشا بوده‌اید! این، آن راه درست است. این، آن صراط مستقیم است. این راه خداست. اگر چه پوششهای تبلیغاتی امپراتوری تبلیغات استکباری کوشش می‌کنند نام و تلاش و راه مقدس ما را با توطئه‌ی سکوت و منزوی کردن بیوشانند؛ اما در دنیا با این نشانه‌ها که گفته شد، ما نام‌آوریم. ما ملت ایرانی‌م! ما مدافعان استقلال و آزادی مشروع خود و مدافعان ارزشهای اسلامی و حاکمیت قرآنیم، و این بزرگترین افتخار ماست.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

چهل و پنج سال پیش، ظلمی صورت گرفته است: خانه‌ی ملت فلسطین از آنها غصب شده است. این خانه، به تمامه و بی‌قید و شرط، باید به ملت فلسطین برگردد. حکومت اسلامی، خصوصیتش این است که با جوسازی، عقب نشینی نمی‌کند. مرتب بگویند «آقا، منزوی می‌شوید!» «منزوی» یعنی چه؟! اگر قدرتهای پر روی دنیا، با جنجال و هیاهو و سرو صدا، آمدند و خواستند ناحقی را حق کنند، ما هم مثل دیگران کنار برویم و بگویم «صحیح می‌فرمایید»؟! پس معنای حکومت اسلامی چیست؟

خوب؛ معلوم است در بین افرادی که جز باطل و جز زور نامشروع، هیچ چیز برایشان مطرح نیست، انسان منزوی خواهد شد. «ان یخذونک الا هزوا.» معلوم است! مگر وقتی پیغمبر صلوات‌الله‌علیه، دعوت را آورد، منزوی نبود؟ مگر امام بزرگوار ما، در دوران سلطه‌ی طاغوت، در خانه‌ی خودش غریب و منزوی نبود؟ منزوی یعنی چه؟! حکومت اسلامی، این جوانمردی و رشادت را دارد که آنچه را حق است بگوید و از امریکا و قدرتهای متحد در دنیا ترسد. فرق ما با آن کشور ضعیف وابسته در همین است. آن دولتهایی می‌ترسند که به ملت‌هایشان وصل نیستند. آنها هم اگر با ملت‌هایشان متصل بودند، این جرات را داشتند که مافی‌الضمیر خودشان را بگویند. ما با ملت‌مان وصلیم. ما یک دولت بی‌پشت و پناه نیستیم. مثل یک پرده‌ی پوشش‌دهی که نیرویی آن را به طرفی بکشد و پشت سرش هیچ نباشد، نیستیم. عقبه‌مان خیلی قوی است. عقبه‌ی ما، یک ملت با عظمت، یک ملت پنجاه و چند میلیونی مومن است. عقبه‌ی ما، منطق و استدلالی است که بر ما و بر روح ما حاکم است.

ما تسلیم ظلم نمی‌شویم. تسلیم زورگوییها و گستاخیهای وقیحانه‌ی امریکا و قدرتهای متحد امریکا نمی‌شویم. قرآن به ما یاد داده است که حرف حق را با قدرت بزیم و بر آن پافشاری و اصرار کنیم و نیرویمان را برای آن بسیج نماییم. خدای متعال هم برکت خواهد داد و کمک خواهد کرد؛ همچنان که سرنوشت ما در این پانزده سال ماجرای حماسی ملت ایران این را اثبات می‌کند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۲/۱۱/۱۲

انقلاب اسلامی، در سطح جهان به اسلام و مسلمین عزت بخشید. این یک واقعیت است. پیش از آن، مسلمانان - اعم از جوامع، دولتها و شخصیت‌های مسلمان - در هر جای دنیا که بودند، احساس انفعال می‌کردند و برای خود و پیامشان ارزشی قائل نبودند. یک عده متفکرین دلسوز مسلمان، از اسلام دفاع می‌کردند؛ اما دفاع آنها نه از روی قدرت و عزت که از روی دلسوزی و دلسوخنگی بود. زیرا اسلام در غربت به سر می‌برد. در افریقا، در آسیا و در خاور میانه، چقدر کشورهای اسلامی وجود دارد که در آنها نظام‌هایی رفت و نظام‌های دیگری آمد؛ اما همه جا مسلمانان در انزوا و عزلت

بودند. مثلاً کشوری مثل عراق، رژیم سلطنتی داشت. رژیم سلطنتی رفت، رژیم دیگری بر سر کار آمد. آن هم رفت، عده دیگری آمدند. بعد آنها رفتند، یک عده دیگر جایشان را گرفتند. باز آن عده رفتند و عده دیگری آمدند. تا این‌که نوبت به بعثیها رسید. در تمام این نقل و انتقالات، کسانی که جایشان خالی بود، مسلمانان بودند. اکثریت قاطع مردم عراق، مسلمانند؛ اما در تحولات مذکور، اصلاً خبری از حضور آنها نبود! یا فرض بفرمایید در کشور مصر - البته آنجا، جمعیتی به نام «اخوان المسلمین» بود - تحولی شد و رژیم سلطنتی از بین رفت. با از میان رفتن رژیم سلطنتی، رژیم جمهوری و انقلابی بر سر کار آمد که چهره‌ی شاخصش «عبدالناصر» بود. بعد، عبدالناصر مرد، دیگری آمد. بعد او رفت، دیگری آمد. در تمام این مدت - البته تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی - همه‌ی تحولات، برکنار از جریان اسلامی و عناصر اسلامی بود. اصلاً عناصر اسلامی، کاره‌ای نبودند. در همان انقلاب اول مصر هم، عناصر اسلامی موثر بودند؛ اما به مجرد این‌که حکومت جدید تشکیل شد، کنارشان زدند. بعضی را به زندان افکندند، بعضی را کشتند و بعضی را از صحنه خارج کردند. این‌جا هم اسلام، حضوری نداشت. انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد و با پیروزی آن، در هر جای دنیا که مسلمان هشتیار و آگاهی بود، احساس کرد عزت و قدرت یافته است. در طول این سالها، بخصوص سالهای اول انقلاب، مسلمانان بسیاری از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلام به ما گفتند: «به مجرد این‌که صدای امام را از رادیوهایی که صدایشان در دنیا پخش می‌شد شنیدیم که می‌گفت من حکومتی به نام اسلام یا جمهوری اسلامی تاسیس خواهم کرد، هر جا بودیم ناگهان احساس پیروزی کردیم.» هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، احساس کرد پیروز شد و عزت و قدرت پیدا کرد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۴/۰۲/۰۲

برای هر آنچه در دنیا ظلم، حق‌کشی و تبعیض می‌شود، اسمهای قانونی مثل «حقوق بشر»، «دفاع از ارزشهای انسانی» و از این قبیل می‌گذارند. بدترین نوع سطره‌ی ظلم این است که ظلم به اسم عدل و ناحق به اسم حق، بر دنیا مسلط شود. در چنین زمانی، ناگهان به برکت عاشورا، حجاب ظلمت شکافته و خورشید حقیقت آشکار شد. حق، به قدرت و حکومت رسید. اسلام که همه‌ی دستها سعی می‌کردند آن را منزوی کنند، در وسط عرصه، خودش را مطرح کرد و دنیا مجبور شد که حضور اسلام راستین و ناب را در شکل حکومت جمهوری اسلامی ببیند. شروع نهضت پانزده خرداد هم به برکت عاشورا بود. امسال بعد از گذشت سی و دو سه سال از حادثه‌ی پانزده خرداد، مثل آن سال اول، دوباره خرداد با محرم همزمان و مقارن شده است.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۴/۰۲/۱۲

انقلاب بزرگ اسلامی که امام بزرگوار آن را هدایت کرد، به ثمر رساند و نتیجه‌ی مهم جمهوری اسلامی را بر آن مترتب کرد، دارای دو وجه است: یک وجه، وجهی داخلی و ایرانی و وجهی دیگر، وجهی جهانی، بین‌المللی، اسلامی و انسانی است. هر دو وجهی انقلاب، حائز اهمیت است. در هر دو وجه، ما به برکت استعداد ذاتی خود، رهبری آن بزرگوار و مجاهدت و پایمردی شما ملت عزیز، پیشرفت‌های زیادی داشته‌ایم. من امروز در مقابل مرفد آن رهبر بی‌نظیر دوران ما، به مناسبت سالگرد رحلت امام بزرگوار، می‌خواهم اعلام کنم که انقلاب، در هر دو وجه، باز هم به پیش می‌رود و جهنگیری انقلاب در هر دو جهت، به قوت خود باقی است.

وجهی اول، مربوط به کشور و ملت ایران است. هدف انقلاب در درجه‌ی اول این بود که نظامی در داخل کشور به وجود بیاورد که وابسته نباشد؛ بلکه مستقل باشد. وابستگی برای یک کشور و ملت، آفت بزرگی است و همه‌ی آفتهای دیگر، بر آن مترتب می‌شود. ملتی که به یک قدرت خارج از خود وابسته است، خیرات، استعدادهای و منابع عظیم انسانی و مادی‌اش در جهت خواست آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملت. شخصیتها و افراد دلسوز و علاقه‌مند این ملتها، یا منزوی می‌شوند، یا به وسیله نظام و رژیم وابسته، نابود می‌گردند. منابع نفت، گاز و معادن زیرزمینی دیگرش اگر استخراج شود، به صلاح و خیر قدرتی که به آن وابسته است، مصرف می‌شود. دوستی، دشمنی و موضعگیری جهانی‌اش، به تبع میل و خواست قدرتی است که به آن وابسته است. مذهب، اخلاق، فرهنگ و آدابش، آنطوری است که آن قدرت خارجی می‌خواهد، انتخاب می‌کند و تشخیص می‌دهد. میل خودش و ایمان، اراده، خواست و نظر مردمش، مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد. لذا، در یک نظام وابسته، مردم و مغزهای متفکر، هیچ‌کاره می‌شوند. اداره‌ی حقیقی کشور وابسته، نه به دست دولت خودش، بلکه در واقع به دست دولتی است که به آن وابسته شده است.

برای یک ملت، بدبختی‌ای از این بالاتر نیست. مادر همه‌ی آفتهای ملی، وابستگی است. برادران و خواهران عزیز! کشور ایران، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک کشور وابسته بود. این وابستگی، بخصوص در پنجاه و چند سالی که نظام منحوس و فاسد پهلوی بر سر کار بود، به اوج خود رسیده بود.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۴/۰۲/۱۲

مسلمانان را از خود بیگانه کرده بودند. مسلمانان در اطراف دنیا خجالت می‌کشید بگویند «من مسلمانم». دولتهای غیر اسلامی و ضد اسلامی، در کشورهای خود وضعیتی به وجود آورده بودند که هیچ جوان امروزی، بویی از اسلام حس نکند و خیری از اسلام نداشته باشد. اسلام را متعلق به نسل گذشته معرفی می‌کردند. می‌گفتند «اسلام مرد؛ رفت؛ تمام شد». در جوامع مدرن، مترقی و متمدن دنیا، کاری کرده بودند که مسلمانان جرات ابراز مسلمانی خود را نداشتند. یا عمل به اسلام را، به کلی ترک می‌کردند یا اگر هم انجام می‌دادند، در خفا و با ترس و وحشت بود.

کشورهای اسلامی هم، وضع بهتری نداشتند. یک رئیس کشور اسلامی، در یک مجمع جهانی روسای کشورها، خجالت می‌کشید نطق خود را با «بسم‌الله» شروع کند! این را عیب و ارتجاع می‌شمردند! از اسلام و نشانه‌های اسلام، شرم می‌کردند و عوامل استکبار که ضربت و سیلی اسلام را در اوایل و اواسط دوران استکبار و استعمار خورده بودند و از اسلام می‌ترسیدند، احساس کنار گذاشتن اسلام را در مردم تقویت می‌کردند.

برادران و خواهران! کدام یک از شما که آن دوران را درک کرده‌اید، یادتان می‌آید که یک مسلمان، جرات کند در حضور جماعتی در غیر مسجد نماز بخواند؟ اگر کسی در فرودگاهها یا در میدانی در وسط شهر نماز می‌خواند یا اذان می‌گفت، او را مسخره می‌کردند. اسلام را بتدریج قاچاق کرده بودند. در سربازخانه‌ها، اسلام قاچاق بود. در دانشگاهها تا وقتی یک گروه مسلمان مبارز به وجود نیامده بود، اسلام و نماز خواندن قاچاق بود. همه جای دنیا این‌طور بود. بعضی جاها، حتی از ایران هم بدتر بود. پیام بزرگ انقلاب ما، احیای هویت اسلامی در ملت‌های مسلمان بود. امروز همه‌ی ملت‌های مسلمان، در هر جای دنیا - اعم از اروپا، آمریکا و آسیا - به مسلمانی خودشان افتخار می‌کنند. امروز در قلب اروپا، دختر محجبه‌ی دبستانی افتخار می‌کند و می‌گوید: «من مسلمانم و می‌خواهم با حجاب به مدرسه بروم.» امروز ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین، در قلب اروپا، با وجود این همه دشمنی و فشاری که علیه آن هست، می‌ایستد و می‌گوید: «من مسلمانم». خسارت این مسلمانی را هم تحمل می‌کند، چوبیش را هم می‌خورد؛ ولی می‌ایستد. روسای کشورهای اسلامی، به خاطر گرایش ملت‌هایشان به اسلام، مجبورند اظهار مسلمانی کنند و دم از مسلمانی بزنند. امروز روسای استکباری کشورهای مستکبر هم، برای این‌که دل مسلمانان را به خودشان جلب کنند، می‌گویند: «ما با اسلام موافقیم و طرفدار اسلامیم.» البته دروغ می‌گویند و به زبان می‌گویند؛ اما برای تظاهر هم که شده است، این حرف را می‌زنند. چرا؟ چون امروز اسلام زنده و هویت اسلامی، ارجمند و بزرگ است. چون امروز اسلام عزیز است. چون امروز حرکات اسلامی رو به رشد است و به فضل پروردگار، تا آن روز که «لیظهره علی الدین کله»، این حرکت آزادی اسلامی و پیشرفت تفکر اسلامی، روزه‌روز در کشورها قویتر خواهد شد. آن وقت که این احساس مسلمانی و هویت اسلامی در ملت‌ها زنده شود، وقتی است که همه‌ی کسان و جناحهایی که نقشه‌هایی علیه اسلام شکل داده‌اند، احساس انزوا، غربت و وحشت می‌کنند. لذا، شما می‌بینید که در همین چند روز قبل، یکی از سردمداران رژیم صهیونیستی گفته بود «ما از لشکرها و ارتشهای عرب نمی‌ترسیم؛ از بنیادگرایی اسلامی می‌ترسیم.» بله؛ ما با این‌که در همه‌ی مسائل با دشمن صهیونیستی مخالفیم، در این یک حرف، با آنها موافقیم. آنچه علاج صهیونیستها را می‌کند، همین بیداری اسلامی است و بس. آنچه می‌تواند سرزمین فلسطین را آزاد کند، بیداری ملت‌های مسلمان و بیداری اسلامی است.

بیانات در دیدار اقبشار مختلف مردم / ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

آنچه که امروز از طرف قدرتمندان و سیاستمداران آمریکا - چه رئیس‌جمهور آن و چه دیگرانی که این کارها را می‌کنند و این حرفها را می‌زنند - صادر می‌شود، به ضرر خود آنهاست. قضاوت دنیا هم این است که به ضرر آنهاست. یک دولت، باید این قدر خود را در دنیا مفتضح کند که برای خرابکاری در یک کشور دیگر بوجه بگذارد؟! شما خیال می‌کنید عقلا و سیاستمداران عالم و انسانهای با فرهنگ دنیا نمی‌فهمند این کار چقدر وقیح و شرم‌آور است؟ بدهی است که تلاش آنها، ناموفق است. همه، این را می‌دانند. از روز اول انقلاب، اینها علیه جمهوری اسلامی بوجه گذاشتند، خرج کردند، اسم هم نیاوردند و جایی هم ننوشتند. این بمب گذاریها و این منافع پروریها، همه با بوجهی همینهاست. چقدر تا به حال توانستند موفق شوند؟! معلوم است که امروز هم مثل آن زمان ناموفقند. در این، شبهه نیست. اینها این قدر رسوایی خود را در مقابل افکار عمومی دنیا، مفتضحانه بر ملا کردند که اقدام خود را به صورت یک مصوبه گذراندند! این، همان داغ باطله‌ی خدایی به پیشانی آنهاست. دیگران و عقلا عالم می‌فهمند؛ اما خود اینها نمی‌فهمند! رژیم آمریکا خیال کرد که با تصویب میلیگی - حال بیست میلیون دلار نه؛ دو بیست میلیون دلار، دو میلیارد دلار - برای خرابکاری در ایران بزرگ و سربلند و اسلامی، کشور ما را در انزوا قرار خواهد داد؛ ولی خودش در انزوا قرار گرفت؛ بدون این‌که بداند و بفهمد!

اینها خیال کردند که افکار عمومی عالم نمی‌فهمد چقدر این حرکت سخیف و رسواست. ممکن است حال که افکار عمومی دنیا، این کار را محکوم کرده است و هر چه هم بگذرد بیشتر محکوم خواهد کرد، واقعیات را بفهمند و پشیمان شوند و کاری کنند که یاد این قضیه به فراموشی سپرده شود؛ اما مگر ما می‌گذاریم؟ مگر ما می‌گذاریم این فضاقت آمریکایی فراموش شود؟ همه‌ی دنیا و همه‌ی نسلهای آینده، باید بدانند که در دورانی، وقاحت رژیم آمریکا به این‌جا می‌رسد که صریحا در مقابل یک دولت آزاد و یک ملت مقتدر، بوجهی خرابکاری تصویب می‌کند! زشتترین و محکومترین کاری که ممکن است دولتی در روابط بین‌الملل انجام دهد؛ همین کار است. دولتمردان آمریکا خیال می‌کنند که دنیا تسلیم دیکتاتوری آنها خواهد شد! این خیال، عجب اشتباهه پرخسارتی برای آنها خواهد بود! البته امروز آنها سرگرم و مست مبارزات دور از اصول انسانی معمول خودشان در باب انتخابات و نمی‌فهمند چه می‌کنند. قدری که گرد و غبار فرو بنشیند، آن وقت می‌فهمند که چه غلطی کرده‌اند. خیال می‌کنند که دنیا تسلیم آنها خواهد شد. عجب اشتباهی!

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی / ۱۳۷۵/۰۱/۰۴

ملت ایران، به‌خاطر این‌که در طول هفده سال، این همه رنجهای گوناگون را دیده است، محکم ایستاده و تکان نخورده و راه خدا و اسلام را پیش رفته است. امروز هم به فضل پروردگار، از روز پیروزی انقلاب، نه که هفده سال، بلکه دهها سال جلو هستیم. ما در طول این هفده سال، راهی طولانی را طی کرده‌ایم. روزی که این ملت، به وسیله‌ی انقلاب شکوهمند شما مردم از چنگ مزدوران بیگانه - یعنی از چنگ خاندان پهلوی و نظامیها و مزدورانشان - خارج شد، در واقع یک ظاهر بی‌باطن و یک قالب و هیكل پوچ بود. ثروتهایش را نابود کرده بودند. زراعت آن را از بین برده بودند. صنعتش را صددرصد وابسته به وجود آورده بودند. کار سازنده را به میزان نزدیک به صفر رسانده بودند. معنویات و اخلاق را هم به کلی ضایع کرده بودند. آنچه که می‌بینید، در طول این هفده سال به همت شما مردم و با قدرت مسوولان دلسوز و با وجود همه‌ی موانع و مشکلات به وجود آمده است و امروز دشمنان خارجی می‌بینند و حسد می‌برند و ناراحت می‌شوند. چاره‌ای هم ندارند! علی‌رغم میل دشمنان خارجی و علی‌رغم میل آمریکا و اسرائیل و آنهاپی که نمی‌توانند پیشرفت این ملت را ببینند و می‌خواهند ایران منزوی باشد، ما - به فضل پروردگار - ارتباطمان را در سطح جهان گسترش خواهیم داد. اگر کسانی هم تحت تاثیر آمریکا قرار گیرند و بخواهند با جمهوری اسلامی دشمنی کنند، ما باکی نداریم.

این ملت، بحمدالله می‌تواند روی پای خود بایستد. در طول این هفده سال، بارها از طرف دولتهایی تهدید به قطع رابطه شده است. در قضایای مختلفی، کنسورهای اروپایی سفرای خود را دستجمعی از ایران خارج کردند، به خیالی که حالا زمین به زمان خواهد خورد و آسمان به زمین خواهد آمد و همه چیز به هم خواهد ریخت! اما دیدند که آب از آب تکان نخورد. لابد دولتهای اروپایی این واقعه را یادشان است. امیدواریم که یادشان باشد و اشتباه نکنند. یک روز، همه‌ی سفرای اروپایی از تهران خارج شدند و وانمود کردند که ما با شما قهریم! جمهوری اسلامی گفت: بروید به سلامت! بعد از مدتی که گذشت، دیدند که جمهوری اسلامی، هیچ احتیاجی به آنها ابراز نمی‌کند و هیچ نیازی به آنها ندارد. بحمدالله، آنها بنا بر احتیاج خودشان، شروع به برگشتن کردند!

بیانات در دیدار کارگزاران نظام و شخصیت‌های خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی / ۱۳۷۵/۰۵/۱۳

آن روحانی نمایی که در یک کشور دوردست، به عنوان خطبه‌ی جمعه یا غیر جمعه می‌ایستد و به جای این‌که به آمریکا و اسرائیل و دشمنان دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه‌ای از فرق مسلمین حمله می‌کند؛ این کار ساده و بی‌مقدمه و بی‌ارتباط به حیات دویاره‌ی اسلام نیست. آن کسی که علنا و آشکارا، مقدسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از هدفهای مشخص و تعریف شده‌ی استکبار است. روی این، برنامه‌ریزی و کار و سیاستگذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند. داخل ایران هم مواردی وجود دارد؛ چون می‌بینند در ایران برادران مسلمان شیعه و سنی، در یک صف واحد، در زیر یک پرچم واحد، با یک شعار واحد، در یک جبهه‌ی واحد، در کنار هم و با هم هستند. در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خونها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد. استکبار، نمی‌تواند این را ببیند. برای هر فرقه‌ای، بهانه‌ی درست می‌کنند. ساده‌ترین و فریب‌بخورترین افراد را در هر فرقه‌ای پیدا می‌کنند و چیزی در دهانش می‌گذارند، تا برود آنچه را که او می‌خواهد، برایشان تکرار کند! همه باید مراقب باشند. هر کسی که امروز به این هدف استکبار کمک کند - یعنی ملت ایران را از ملتها و کشورهای دیگر جدا کند - در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام جنگیدند؛ چه امروز و چه در زمان پیامبر. «کان حقیقا علی الله ان یدخله مدخله» هر کس که امروز به هدفهای استکبار در قبال ایران اسلامی کمک کند، مثل همان کسی است که در زمان ظهور و نزول اسلام، با آیات الهی جنگید.

امروز این حرکت، حرکتی به سمت احیای اسلام و زنده کردن احکام منزوی شده‌ی اسلام و قرآن است. این حرکت، حرکت عظیمی است که در این‌جا اتفاق افتاده است. مسلمانان در همه جا می‌خواهند این حرکت را انجام دهند. اگر به کشورهای اسلام در شرق و غرب دنیای اسلام نگاه کنید، این واقعتی را مشاهده می‌کنید؛ منتها استکبار جهانی، آمریکا، کمپانیهای گوناگون و صاحبان زر و زور مانع هستند. آن جایی که تسلیم زر و زور نشده است و نمی‌شود؛ آن جایی که همه‌ی قدرت ملی در مقابل استکبار قرار گرفته است، ایران اسلامی است.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۶/۰۹/۱۳

می‌دانید که قرن بیستم میلادی، قرن انقلابها و حرکت‌های مردمی بر اساس ایده‌ها و تفکرات و آرزوهای نو است. از دهه‌های اول این قرن، با انقلاب سوسیالیستی شوروی شروع شد و همین‌طور ادامه پیدا کرد - بخشی چپ، بخشی هم نه چندان در چارچوب تفکرات مارکسیستی؛ اما به‌هرحال دارای صبغه‌ی خاص - تا انقلاب ما، و بعد از انقلاب ما، بعضی از انقلابهای دیگر.

دهها انقلاب در اطراف دنیا اتفاق افتاد؛ هر کدام هم نظامی را واژگون کرد و حکومت و تشکیلاتی به وجود آورد. با یکایک آنها همین کار را کردند. یعنی اگر توانستند، همان اول کار به سراغشان رفتند و تلاش کردند، کارشان را تمام کنند! بعضیها بودند که همان اول کار نتوانستند خودشان را نگهدارند و مغلوب شدند. آنهاپی را که مشکل داشتند، ضمن این‌که مزاحمتها را رها نکردند - مرتب مزاحمشان شدند، اذیتشان کردند، تبلیغات کردند، محاصره کردند، خسته‌شان کردند - خودشان هم در کناری کمین گرفتند، تا در لحظه‌ای که احساس کردند اینها خسته شده‌اند، ناگهان ضربه‌ی نهایی را وارد کنند؛ تقریبا وارد هم کردند و عموما هم موفق بوده است.

همان جریانهای ضدانقلابی که یک روز منزوی و مغلوب بودند، بعد توانستند بیابند زمام را در دست گیرند و مسلط شوند و کارها را انجام دهند. در مورد انقلاب اسلامی، جبهه‌ی دشمن - نه اشخاص و افراد - از اول انقلاب همین طرح و همین نقشه را در صدد بود و در نظر گرفت. منتها در مورد انقلاب ما در طول این هجده سال، حتی یک پدیده به وجود نیامد که بتواند جبهه‌ی دشمن را خرسند و امیدوار کند. من یک وقت در زمان ریاست جمهوری، با یکی از کسانی که در راس یک مجموعه‌ی انقلابی بود و در دنیا جزو سیاسیون معروف است - که نمی‌خواهم اسم بیاورم - در کشور خودش ملاقات کردم. او یک کار منافی با دعوای انقلابی و ایده‌ها و حرفهای خودش انجام داده بود. از او پرسیدم: شما چطور و با چه منطقی این کار را انجام دادید؟ خندید و گفت: این، تاکتیک است! (گفتم: انسان تا وقتی می‌تواند تاکتیک را قبول کند که خطمشی را به‌کلی دگرگون نکند؛ شما خطمشیتان را عوض کرده‌اید. همین هم بود؛ خطمشی و جهتشان به‌کلی عوض شده بود؛ اما آن آقا به حساب تغییر تاکتیک می‌گذاشت! می‌گفت: من مانور می‌کنم، من تاکتیک به خرج می‌دهم و عمل می‌کنم! (این چطور تاکتیکی است که انسان دشمن را بر خودش مسلط کند! آیا این اسمش تاکتیک است که حرفهای خودش را پس بگیرد و جهتش را به‌کلی عوض کند؟! از این طور چیزها در کارنامه‌ی آن انقلابیایا دیده می‌شد. دشمن را به طمع می‌انداخت، دشمن هم امیدوار می‌شد، کمین می‌کرد، موفق هم می‌شد؛ کما این که تقریباً در همه‌جا موفق شدند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۶/۱۱/۰۹

پایبندی به قرآن، مایه‌ی روشنفکری و مایه‌ی آزادفکری و مایه‌ی به کار افتادن علم و عقل و ابتکار و تلاش است. اسلام مرده‌های اجتماعی و سیاسی را زنده کرد؛ «اذا دعاکم لما یحیکم». اسلام ملت‌هایی را که خاک مرگ بر روی آنها پاشیده شده بود و چیزی از حیات حقیقی و سرافرازانه‌ی مجتمع انسانی نمی‌دانستند، حیات و آقایی بخشید و پرچم انسانیت و دفاع از انسانها را به آنها داد. نه فقط آن روز، امروز هم بحمدالله همین‌طور است. نمونه‌اش کشور ماست؛ این ملتی است که قرنهای متمادی در زیر فشار استبداد سلاطین ظلم و جور، هویت و قدرت تصمیم و قدرت عمل خودش را از دست داده بود؛ در این صد سال اخیر هم در زیر فشارهای مضاعف استعمار و استکبار و دخالت خارجی، اعتماد به نفس خود را به کلی از دست داده بود. اسلام این ملت را به یک ملت پیشرو، مقدم در میدان علم، در میدان عمل، در میدان سیاست، در میدان تفکر، در میدان تعقل و تامل و در ابتکارات زندگی تبدیل کرد. این، علاج ملت‌های مسلمان است. این، درست همان چیزی است که نسخه‌ی بیچارگان اسلام آن را نهی می‌کنند و از آن می‌ترسند. امروز هم نیست که منع می‌کنند و از آن باز می‌دارند؛ اگر تاریخچه‌ی استعمار را نگاه کنید، از وقتی استعمار در کشورهای اسلامی شروع شد، این را تکرار کرده‌اند و گفته‌اند و خواسته‌اند دین و اسلام را منزوی کنند و از زندگی انسان بیرون برانند. امیدواریم که خداوند متعال همه‌ی ما را بیدار کند. همه‌ی ملت‌های مسلمان، ملت مظلوم فلسطین و ملت‌های مظلومی را که در اقطار اسلامی از رنج‌های بزرگی می‌نالند و از دردهای بزرگی رنج می‌برند، ان‌شاءالله نجات بخشد.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۷/۰۱/۰۱

یکی از وزرای خارجه‌ی کشورهای معروف و بزرگ اروپایی - که حالا نمی‌خواهم اسم ببرم - در زمان ریاست جمهوری بنده، به ایران آمد و حرفهای زد. من این حرف را به او گفتم؛ حالا هم به شما عزیزان می‌گویم - این حرفهای که ما با این دیپلماتها، در طول سالهای متمادی زدیم، در کاغذها ثبت است و هیچ وقت فرصتی پیش نیامده است که به گوش مردم برسد. اگر یک روز این حرفها پخش و فهمیده شود - که ما در طول هشت سال ریاست جمهوری و بعد از آن، چه گفتیم، من گمان می‌کنم که ملت ایران، بیشتر احساس عزت خواهد کرد. الحمدلله - من به آن وزیر خارجه‌ای که از طرف دولتش - شاید هم از طرف جامعه‌ی اروپا - به ایران آمده بود - در زمان حیات مبارک امام بود - گفتم ما به‌عنوان جمهوری اسلامی، نمی‌خواهیم با غرب، قطع رابطه باشیم. ما می‌خواهیم رابطه‌مان برقرار باشد؛ اما منظور از غرب که فقط آمریکا نیست. آمریکاییها می‌خواهند وانمود کنند که غرب یعنی آمریکا! اگر شما با آمریکا رابطه برقرار کردید، با غرب رابطه دارید، والا منزوی هستید! گفتم ما این را قبول نداریم. البته آن اروپایی هم از این حرف، خوشحال شد. اروپاییها جزو مجموعه‌ی غربند، اما با آمریکاییها خیلی اختلاف دارند. کسانی خیال نکنند که اگر فلان مسوول اروپایی در مقابل انقلاب، در مقابل ایران و ملت‌های مسلمان، در مقابل ملت‌های شرق یا خاور میانه، از کلیت غرب، یا از آمریکا پشتیبانی می‌کند، قضیه همین است؛ نه، اختلافات بین آنها خیلی زیاد است! اختلاف بین آمریکا و اروپا - از لحاظ عمق - در مواردی، اصلاً کمتر از اختلاف اروپا با دنیا غیرغرب نیست؛ با هم خیلی اختلافات دارند که حالا جای بحث آن نیست.

ما بارها تکرار کرده‌ایم، ما ملتی هستیم که خودمان تصمیم می‌گیریم. ما نمی‌توانیم منتظر بمانیم تا فلان کشور، فلان دولت، فلان وزیر خارجه یا رئیس جمهور، به ما توصیه کند که شما چاره‌ای ندارید جز این که با آمریکا رابطه برقرار کنید! نه آقا، چاره داریم؛ چاره این است که بر روی مواضع سرشار از عزت، که ناشی از اسلام، ناشی از ملت ایران و از قدرت اسلامی و ملی ماست، محکم بایستیم تا همه‌ی کسانی که بیگانه از ما هستند، احساس کنند در مقابل این ملت، نمی‌شود با قلدری حرف زد!

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۷/۰۱/۰۱

بحمدالله امروز عزت مردم در کشور ما، بر اثر همین روح استکبار ستیزی است. و استکبارستیزی موجب انزوای هیچ ملتی نمی‌شود. آمریکاییها خودشان می‌خواهند این طور وانمود کنند که اگر ملت ایران با ما رابطه برقرار نکند، منزوی می‌شود! ما با آمریکا، رابطه هم برقرار نکردیم، رابطه را هم رد کردیم؛ نه که منزوی نشدیم، بلکه در قضیه‌ی اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در تهران و یک قضیه‌ی دیگر قبل از آن، همه‌ی دنیا گفتند که آمریکا در مقابل ملت ایران منزوی شد! ایستادگی یک ملت، موجب انزوای او نمی‌شود، بلکه بیشتر موجب عزت او می‌گردد. همچنان که رابطه با دولت آمریکا یا هر دولت دیگر هم هیچ گره‌ای را از کار ملتی که خودش نتواند دردهای خود را علاج کند، باز نمی‌کند. شما به ملت‌های شرق آسیا نگاه کنید! یکی از روسای معروف همین چند کشور آسیایی که در قضایای بحران اقتصادی، چند ماه قبل دچار ضرر شدند، در قضیه‌ی کنفرانس اسلامی که به تهران آمده بود، به من گفت: «ملت ما یک شبه تبدیل به یک ملت فقیر شد!» می‌گفت عامل آن هم همین سرمایه‌داران صهیونیست و آمریکایی هستند! آن کشور، با آمریکا هم روابط صمیمانه، یا رابطه‌ی دوستانه دارد. مگر رابطه می‌تواند مشکلی را از کار یک ملت حل کند؟! مگر استکبار و ایادی دولت آمریکا و دیگران، آن وقتی که منافعشان ایجاب کند، به ملتی رحم می‌کنند؟! نه به اقتصاد رحم می‌کنند، نه به فرهنگ، نه به مردم، نه به پول و نه به اقتصاد بین‌المللی. به کسی رحم نمی‌کنند!

حال فلان آقای نویسنده، از فضای بازی که بحمدالله در کشور ما هست، سو استفاده کند و ایستادگی ملت ایران را بگوید «انزوا»! آیا این انزوا است؟! آیا ملتی که همه‌ی دنیا از عزت و عظمتش خبر می‌دهند، منزوی است؟! اگر معنای منزوی این است که یک ملت مستقل باشد و تسلیم این و آن نشود، این انزوا از هر چیز دیگری بهتر است! این انزوا نیست. خیال کرده‌اید که اگر ملت ایران از اصول خود صرف نظر کند، از راه پرافتخار دوران حیات مبارک امام برگردد و دست دوستی التماس آمیز و حقارت آمیز به سوی قدرتها دراز کند، همه‌ی مشکلات اقتصادی این کشور، یک شبه حل خواهد شد! ابدا! آن کشورهایی که دوستیشان با آمریکا خیلی شدیدتر بود، آن ضربه را از ناحیه‌ی سرمایه‌داران خود آمریکا خوردند! مگر آمریکاییها به صغیر و کبیر رحم می‌کنند؟! در فضای فرهنگی و مطبوعاتی‌ای که در این چند ماه آخر، به‌شدت ناسالم شده و ناسالم می‌شود، متأسفانه بعضی سمپاشی و زهرافشانی می‌کنند! البته سیاست ما این نیست که کسی را به خاطر نوشتن چیزی و پخش مطلبی، تا خلاف قانون نباشد، مورد ملامت قرار دهیم؛ اما به افشاگری می‌پردازیم و آنها را به مردم معرفی می‌کنیم. اگر هم دست بردارند، مردم خودشان می‌دانند که با آنها چه کنند!

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۷/۰۱/۱۲

رژیم امریکا از اولین سالهایی که در نیم قرن پیش در صحنه‌ی سیاسی ایران قدم نهاد، به ایران و ایرانی جفا و خیانت کرد، از رژیم فاسد و ضد‌مردمی پهلوی حمایت کرد، دولتهای وابسته و ضعیف و نوکرمآب را بر سر کار آورد، اراده‌ی خود را بر ملت ما تحمیل و منابع ملی را غارت کرد، ثروت عظیمی از این ملت را از طریق معاملات خسارتبار نفت و سلاح، ربود، نیروهای مسلح ایران را در قبضه‌ی خود گرفت، دستگاه ضد امنیتی شاه و شکنجه‌گران آن را آموزش داد، موجب اختلاف میان ملت ایران و بسیاری از ملت‌های مسلمان، از جمله اعراب شد، فساد و فحشا را در ایران ترویج کرد، با رژیم شاه در سرکوب نهضت اسلامی در مقاطع گوناگون، همکاری و آن را راهنمایی کرد!

و پس از آن‌که علی‌رغم مجموعه‌ی آن جبهه‌ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه‌ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست! از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره‌ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دابمی در همه‌ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش‌باری در اختلافات منطقه‌ی، و سعی وافر برای ایجاد اختلاف میان ایران و همسایگان، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله‌ی مزدگیران سازمان سیا، تا فعالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت مودیان و تهدیدآمیز دیگر در همه‌ی جبهه‌ها و همه‌ی زمینه‌های ممکن! این فهرست کوتاهی از طومار بلند خصومت‌های رژیم امریکا با ایران و ایرانی است. و البته همه می‌دانند و خود سردمداران رژیم امریکا بیش از همه بتلخی می‌دانند که رژیم امریکا در اغلب این زمینه‌ها شکست خورده و ناکام مانده و در انزوا قرار گرفته است! و ملت ایران به کمک الهی و به برکت اقتدار و عزتی که از اسلام و انقلاب به دست آورده، در بیشتر این موارد توانسته طعم زهرآگین شکست و ناکامی را به دشمن خود بچشاند.

با توجه به این حقایق روشن، چگونه ممکن است که ملت و دولت ایران، به سوی دشمنی که هنوز هم با دلی پرکینه و کامی تلخ از شکست‌های پی‌درپی، درصد ضربه زدن به ایران و ایرانی است، دست دوستی دراز کند و فریب لبخند زهرآگین دشمن را که همین امروز هم با خنجر زهرآلود، در دست وی همراه است، بخورد؟!

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۷/۰۶/۲۴

سالهای اول دهه‌ی شصت و پیش از آن، کارهای سیاسی عجیبی علیه انقلاب می‌شد که بعضی مستقیماً بود و بعضی غیرمستقیم. عقبات فرهنگی داشتیم؛ خصوصاً در آن دو سال اول انقلاب. کسانی که هیچ وقت دلشان با دین و اهل دین صاف نبود، از این‌که می‌دیدند یک نظام دینی بر سر کار آمده است، به شدت عصبانی بودند. آنچه می‌توانستند می‌کردند تا بتوانند ایمان دینی را از دل‌ها زایل کنند. البته در جوش و خروش آن روز انقلاب و مردم، کاری از پیش نمی‌بردند و بالاخره هم یکی یکی از کشور خارج شدند. بعضی هم که ماندند، منزوی شدند. همه‌ی اینها را این ملت از سر گذرانده است.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

بحمدالله امروز جمهوری اسلامی در سطح دنیا دارای عزت و چهره‌ی پیشرونده است. تلاشهای امریکاییها برای این‌که بتوانند ملت و دولت ایران را محاصره کنند و در انزوا ببندازند، به جایی نرسیده است و هرگز هم به جایی نخواهد رسید. ملت ما پشت سر مسولان نظام ایستاده است. شناختن دشمن از همه مهمتر است. دشمن سعی می‌کند خود را دوست جلوه دهد و شعارهای ملتها را عوض کند؛ کمااین‌که شعار صدمیت با صهیونیسم را در میان بعضی از دولتمردان عرب، تبدیل به یک شعار انحرافی کردند! یکی از کارهایشان تبدیل کردن شعارهاست. ملت و دولتی تسلیم می‌شود که دشمن را درست نشناسد، یا دچار فساد و بدبختی باشد؛ اما اگر دشمن شناسی بود - که من این توصیه را به جوانان دارم - آنوقت شعارها، شعارهای روشن و آگاهانه‌ای خواهد بود و آنچه که دشمن می‌خواهد، به فضل پروردگار آن را در میان ملت ایران به دست نمی‌آورد. امیدواریم خدای متعال شما جوانان را حفظ کند. با نور هدایت خود همه‌ی دل‌ها را هدایت کند و گامهای ملت ایران را استوار بدارد و دشمنان ملت ایران را منکوب فرماید و ان‌شاءالله شما جوانان با توجهات ولی‌عصر ارواحنا فداه آینده‌های روشن و درخشان را در این کشور ببینید و با دست خودتان بسازید.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۸/۱۲/۲۲

امروز نفوذ معنوی و اقتدار سیاسی ملت ایران در سرتاسر این منطقه - چه در قسمت کشورهای خاورمیانه، چه در قسمت شرق و چه تا آفریقا و بسیار جاهای دیگر - گسترده است. این به خاطر همین کارهای بزرگی است که ملت ایران کرده است. امروز نظام جمهوری اسلامی یکی از مقتدرترین نظامهاست. این معنا البته در تحلیلهای سیاسی سطح بالای موجود در حتی کشورهای دشمن ما مورد اعتراف قرار گرفته است؛ این را نوشته‌اند و گفته‌اند و ثبت شده است. این اقتدار و نفوذ معنوی و سیاسی‌ای که شما نمونه‌ها و نشانه‌هایش را امروز در فلسطین و در بسیاری از کشورهای غیراسلامی می‌بینید، سعی می‌شود در چشم خود ملت ایران - بخصوص در چشم نسل جوان - مورد اغفال و تغافل قرار گیرد و انکار شود. یعنی وانمود شود که ملت ایران، ملتی منزوی و کنار افتاده است؛ کسی هم به او توجه ندارد! این کار آن دشمن است. چرا؟ برای این‌که ملت از هویت حقیقی خود و از آن نیروی عظیم و تواناییهایی که در اختیار دارد، غافل بماند. این یکی از نقشه‌های دشمن است. پس شجاعت و رشادت و آگاهی از تواناییهای خود و اقتداری که به خاطر ایمان در این ملت وجود دارد هم، یکی از شرایط رقم زدن آن آینده است.

بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان / ۱۳۷۹/۰۸/۱۱

امروز نفوذ معنوی و اقتدار سیاسی ملت ایران در سرتاسر این منطقه - چه در قسمت کشورهای خاورمیانه، چه در قسمت شرق و چه تا آفریقا و بسیار جاهای دیگر - گسترده است. این به خاطر همین کارهای بزرگی است که ملت ایران کرده است. امروز نظام جمهوری اسلامی یکی از مقتدرترین نظامهاست. این معنا البته در تحلیلهای سیاسی سطح بالای موجود در حتی کشورهای دشمن ما مورد اعتراف قرار گرفته است؛ این را نوشته‌اند و گفته‌اند و ثبت شده است. این اقتدار و نفوذ معنوی و سیاسی‌ای که شما نمونه‌ها و نشانه‌هایش را امروز در فلسطین و در بسیاری از کشورهای غیراسلامی می‌بینید، سعی می‌شود در چشم خود ملت ایران - بخصوص در چشم نسل جوان - مورد اغفال و تغافل قرار گیرد و انکار شود. یعنی وانمود شود که ملت ایران، ملتی منزوی و کنار افتاده است؛ کسی هم به او توجه ندارد! این کار آن دشمن است. چرا؟ برای این‌که ملت از هویت حقیقی خود و از آن نیروی عظیم و تواناییهایی که در اختیار دارد، غافل بماند. این یکی از نقشه‌های دشمن است. پس شجاعت و رشادت و آگاهی از تواناییهای خود و اقتداری که به خاطر ایمان در این ملت وجود دارد هم، یکی از شرایط رقم زدن آن آینده است.

بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

در ابعاد جهانی - حتی در دنیای غیر اسلام - هم انقلاب اسلامی تاثیر گذاشت و توجه به قدرت مذهب در بسیج انسانها را در دنیا مطرح کرد. مذهب - که یک پدیده منزوی و تشریفاتی محض بود - ناگهان آنچنان یک ملت را بسیج کرد که توانست یک نظام متکی به حمایت‌های بین‌المللی را به کلی به خاک سیاه بنشانند و اجازه ندهد بر روی ویرانه‌های آن، خلا به وجود آید؛ بلکه نظامی با حرفهای نو بر سر پا کند. فائیلین همه حرفهایی که برای بشریت ایده‌آل بود - مساله عدالت، انسانیت و تکریم انسان، برابری انسانها، برابری نژادها، لزوم مبارزه و مقابله با زورگوییهای بین‌المللی - و کسانی که در دل‌هایشان حرفهایی بود، ولی جرات نمی‌کردند آنها را

ابراز کنند و یا میدانی برای ابراز نمی‌یافتند، دیدند نظام سیاسی مستقری در یک گوشه از دنیا به وجود آمده، این حرفها را روی پلاکارد نوشته و در مقابل چشم جهانیان بلند کرده است. این برای آنها، بسیار فوق‌العاده بود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۱/۲۳

امروز آمریکا در دنیا از لحاظ سیاسی منزوی است. این فرمول و راه حل آمریکایی را که انتصاب یک سرلشکر باز نشسته است، تقریباً هیچ دولتی در دنیا - مگر همان دو سه نفر از خودشان - قبول نکرد. دولتهای عربی، اسلامی و اروپایی آن را رد کردند.

سومین شکست آمریکاییها، شکست ابهت نظامی آنهاست، چون وانمود کرده بودند که می‌توانند ظرف سه یا چهار روز بر نیروهای عراقی مسلط شوند. بالاخره معلوم شد که نه با سه روز و چهار روز بلکه با بیشتر از آن هم قدرت تسلط پیدا نمی‌کنند و اگر نیروهای عراقی می‌جنگیدند، حالا حالاها این قضا را ادامه پیدا می‌کرد و معلوم هم نبود که سرانجام، بر اثر کثرت تلفات، حتی پیروزی نظامی به دست آورند. عراقیها در آن هنگامی که باید بجنگند، نجنبیدند. این، جای سوال و ابهام است! همان‌طور که گفتم، ما قضاوتی نداریم؛ اما این از سوالهایی است که جواب آن در آینده معلوم خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

یک روز این‌طور تصور می‌شد و این‌طور تبلیغ می‌شد که همه راه‌های پیشرفت و تمدن به لیبرال دموکراسی، آن هم به شکل آمریکایی‌اش، ختم می‌شود؛ اما امروز این‌طور نیست. امروز بسیاری از ملتها کاملاً در این مساله نظر مخالف دارند و البته بعضی هم شک دارند. امروز آمریکا علی‌رغم قدرت روزافزون نظامی و مالی خود، در حقیقت شکست سیاسی است و در دنیا منزوی است. هیچ‌وقت نفرت از آمریکا مثل امروز در دنیا نبوده است. شرق و غرب هم ندارد؛ آسیا و اروپا و آفریقا هم ندارد، همه‌جا این‌طور است. این را خود آمریکایی‌ها اعتراف می‌کنند و این حرف من نیست. آنها خودشان اعتراف می‌کنند که نمی‌شود با زور بر دنیا سلطه پیدا کرد. برزیل‌سکی اخیراً کتابی نوشته به نام «سلطه یا رهبری». او در این کتاب نوشته است که سلطه با زور و با اقتدار بر جهان برای آمریکا، مساوی است با انزوای روزافزون آمریکا در دنیا؛ راست هم می‌گوید؛ روزبه‌روز منزوی‌تر خواهد شد و همین انزوا آن سلطه را هم نابود می‌کند. البته گزینه‌ی آن طرف این موضوع این است که ما سلطه‌گری نکنیم، بلکه تعامل کنیم؛ اخلاق خوش به‌خرج بدهیم، تا بتوانیم بر دنیا رهبری کنیم. حالا خواب خوشی است که می‌بینند و اصول‌گرایی آمریکایی به آنها وحی و الهام کرده که باید آنها رهبر دنیا باشند و ارزشهای خودشان را بر دنیا حاکم و مسلط کنند.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

ما باید معادلات جهانی را محاسبه کنیم. بنده با کسانی که معتقدند معادلات حاکم بر جهان را بکلی باید کنار گذاشت، موافق نیستم؛ با کسانی هم که معتقدند باید یکسره در چهارچوب این معادلات کار کرد، موافق نیستم. این معادلات تجزیه‌ناپذیر نیستند. می‌شود عناصر جدیدی را به آنها وارد کرد و عناصری را هم نادیده گرفت و حذف کرد. این البته مخالفتی را برمی‌انگیزد؛ برانگیزد. ما یک موجود زنده هستیم، تلاش می‌کنیم، کار می‌کنیم و از ابزارهای خودمان استفاده می‌کنیم و اثبات می‌کنیم که این راه درست است و همان را دنبال می‌کنیم. برای این کار از همه ظرفیتهای ما استفاده کرد. این، در زمینه‌ی مبنای اصولی سیاست خارجی ما، که آن را شما برادران و خواهران عزیز و مسوولان و کارگزاران سیاست خارجی در مدنظر داشته باشید.

پشتوانه‌ی شما اسلام است؛ این را بدانید. بعضی می‌گویند ما می‌خواهیم اسلام را حفظ کنیم؛ نه، اسلام ما را حفظ می‌کند. پشتوانه‌ی شما همین ایمان و همین نهضت جهانی اسلام است. نهضت جهانی اسلام یک شخص نیست که ترورش کنند، یک سازمان نیست که منحلش کنند، یک دولت نیست که منزوی‌اش کنند، بلکه یک پدیده‌ی فرهنگی و توده‌ی و عمومی است. ما باید هوایش را داشته باشیم و باید مراقب باشیم. نفس اعلام مواضع اسلامی در دنیای اسلام، اعتبار ما را افزایش می‌دهد و برای ما امتیاز است و نشان‌دهنده‌ی عمق استراتژیک ما و کمک‌کننده‌ی به ماست. از این مبانی هیچ وقت کوتاه نیاید؛ در اظهارات هم هیچ وقت کوتاه نیاید.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۲/۱۲/۲۷

ما مایل نیستیم در دنیای اسلام منزوی باشیم، و منزوی هم نیستیم و نخواهیم شد. انزوا به معنای دیپلماتیک و رایج آن در دنیا، آن‌چنان مضر نیست که انزوای از ملتها مضر است. امروز آمریکا به حسب ظاهر منزوی نیست؛ حضور سیاسی و حتی حضور نظامی او در همه جای این منطقه محسوس است؛ اما در حقیقت منزوی است؛ چرا؟ چون ملتها که تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند، همه از حضور آمریکا و سیاستهای آمریکا متنفر و بیزارند؛ این انزوا مضر است. جمهوری اسلامی در دنیای اسلام این انزوا را ندارد.

شما الان هر جای دنیای اسلام بروید، خواهید دید که مردم دلپایشان برای جمهوری اسلامی می‌تپد؛ این واقعیت است. سفر اخیر رئیس جمهور محترم ما به بوسنی، یک نمونه است. مگر ما با بوسنی چقدر ارتباط مردمی داریم؟ مگر مردم بوسنی چقدر به این‌جا آمده‌اند؟ بعد از قرارداد دیتون و خاتمه‌ی جنگهای بالکان، آن همه علیه ایران در آن‌جا تبلیغات و فعالیت شده بود؛ عوامل جمهوری اسلامی را از آن‌جا بیرون کردند، به آنها توهین کردند، در تبلیغاتشان آنها را متهم کردند و همه چیز راجع به آنها گفتند؛ درعین‌حال مردم بوسنی از رئیس جمهور ما آن‌گونه استقبال کردند. ایشان می‌گفتند در برف سنگین سارایوو - که شاید تا نزدیک زانوی انسان برف باریده بود - مردم در خیابانهای شهر اجتماع متراکمی کرده بودند تا رئیس جمهوری اسلامی ایران را ببینند. ایشان می‌گفتند به کتابخانه‌ی قاضی خسروی‌بیک رفتیم - که بنده هم زمان ریاست جمهوری به آن‌جا رفته بودم - تقریباً ۴۵ دقیقه بازدید ما طول کشید؛ اما وقتی برگشتیم، دیدیم مردم هنوز آن‌جا ایستاده‌اند. در مسجد آن‌جا مردم اجتماع متراکمی کرده بودند و برای خوش‌آمدگویی به رئیس جمهوری اسلامی ایران، به زبان فارسی سرود می‌خواندند! این استقبال مربوط به اشخاص نیست.

من از سفر الجزایر برگشته بودم و منظره‌ی را که در آن کشور دیده بودم، برای امام تشریح کردم و گفتم این استقبال مربوط به شخص من نبود؛ تکریم شما بود. الان هم نه شخص من، نه شخص آقای خاتمی، نه هیچ‌کدام از مسوولان کشور که به دیگر کشورها می‌روند و این‌گونه مورد استقبال قرار می‌گیرند، مورد نظر نیستند؛ مردم اشخاص ماها را نمی‌شناسند؛ شاید اسم ما را بدانند، اما انقلاب و امام را می‌شناسند؛ همان شخصیتی که مثل خورشید در آسمان دنیای اسلام می‌درخشید و همه - چه دشمنها می‌خواستند، چه نمی‌خواستند - آن را لمس می‌کردند. الان هم نمودار و برگه‌ی از آن شخصیت ممتاز را مشاهده می‌کنند. شما هر جا بروید، وضعیت همین‌گونه است.

یکی از مسوولان ما - یادم نیست آقای رئیس جمهور بود یا کس دیگری - به یکی از کشورهای عربی رفته بود و از او استقبال خوبی کرده بودند. من گفتم شما به هر کدام از کشورهای عربی بروید، قضیه همین است؛ اگر به مصر بروید، اجتماع مردم از همه‌جا بیشتر خواهد بود؛ به سودان بروید، همین‌طور است، به دیگر کشورها بروید، همین‌طور است؛ البته مشروط بر این‌که دولتها مانع نشوند.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

امروز شیطان بزرگ که خود مجسمه‌ی شرارت و قساوت بر ضد بشر است، پرچم طرفداری از حقوق بشر را بلند کرده و ملت‌های خاورمیانه را به دمکراسی دعوت می‌کند. دمکراسی مورد نظر آمریکا در این کشورها به معنای آن است که دست‌نشانندگانی رام و مطیع، به کمک توطئه و رشوه و تبلیغات اغواگر، در انتخاباتی ظاهراً مردمی و باطناً آمریکائی بر سر کار بیایند و عامل آمریکا در تحقق هدفهای پلید استکباری شوند.

سرلوحه‌ی این هدفها سرکوب موج اسلامخواهی و به انزوا کشیدن دوباره‌ی ارزشهای اسلامی است. همه‌ی ابزارهای تبلیغاتی و سیاسی آمریکا و دیگر سلطه‌طلبان، امروز به کار افتاده است تا نهضت بیداری اسلامی را به تاخیر اندازند و اگر نتوانند سرکوب کنند.

ملت‌های مسلمان باید امروز کاملاً هوشیار و مراقب باشند و علما و پیشوایان دینی، روشنفکران و دانشگاهیان، نویسندگان و شاعران و هنرمندان، جوانان و نخبگان، همه و همه باید با هوشیاری و اقدام بهنگام، نگذارند، امریکای جهانخوار دوره‌ی جدیدی از سلطه‌ی استعماری خود بر دنیای اسلام را آغاز کند.

بیانات در دیدار مردم گرمسار / ۱۳۸۵/۰۸/۲۱

در عرصه‌ی سیاسی کشور هم امروز وحدت و یکپارچگی مردم از همیشه بیشتر محسوس است. عده‌ای شعار می‌دادند؛ شعارهایی که فقط برای جدا کردن مردم از یکدیگر خوب بود؛ به این هم قانع نبودند، شعار حاکمیت دوگانه می‌دادند؛ یعنی در خود حاکمیت و مدیریت کشور دودستگی به وجود آید و به جان هم بیفتند؛ این را صریحاً شعار می‌دادند و خجالت هم نمی‌کشیدند. اینها بحمدالله منزوی شده‌اند. امروز یکپارچگی و همدلی در مدیریت کشور، یک نعمت بزرگی است. مردم، دل‌هایشان به هم نزدیک است و اتحاد بین مردم و دولت هم خوب است.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۶/۰۷/۲۱

امروز هم وقتی به رفتار صهیونیستها نگاه کنید، می‌بینید هدفشان این است که هر چه می‌توانند، این انگیزه‌های ایستادگی و استقامت را در مردم فلسطین نابود کنند؛ همه‌ی کارهایشان با این سیاست است؛ انگیزه‌ی مقاومت از بین برود. ولی مردم فلسطین ایستاده‌اند. اولاً مبارزه را رها نکردند، ثانیاً دولتی را با آرا خودشان سر کار آوردند که این دولت، شعارش ایستادگی و مقاومت و مبارزه‌ی با اشغالگران است و با همه‌ی فشارهایی هم که در این یکی دو سال اخیر بر این دولت و مردم آن منطقه وارد کردند، اینها محکم ایستاده‌اند؛ دارند مقاومت می‌کنند. ولی یک ملت تنها، منزوی در یک گوشه، بدون دسترسی به هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم، غیر از امید به خدا باید دلخوشیهایی داشته باشد. این شعار عظیم ملت‌های مسلمان به نفع فلسطین، به آنها روحیه می‌دهد؛ دل‌های آنها را برای استقامت بیشتر آماده می‌کند، علاوه بر اینکه افکار عمومی دنیا را به حقانیت داعیه‌ی فلسطین آشنا می‌کند.

ملت ایران، با این راهپیمائی به جمهوری اسلامی آبرو دادند؛ به ایران و ایرانی آبرو دادند و نشان دادند که همچنان در صف مقدم دفاع از حق بزرگ امت اسلامی نسبت به کشور فلسطین و ملت فلسطین قرار دارند. این بسیار با ارزش بود.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان / ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

دشمن طراحی میکند. تو میدانی که او درست کرده، بازی نکنید؛ چون چه ببرید، چه ببازید، به نفع اوست. طراحی دشمن ایجاد اختلاف است، ایجاد ناامیدی است، به جان هم انداختن فعالان سیاسی است، منزوی کردن خط اصیل و ارزشهای اسلامی است. این کارها، نقشه‌های دشمن است؛ سرگرم کردن جوان‌ها به هوی و هوس و لغویات و غافل کردن آنها از حرکت عمومی ملت ایران، به تعطیلی کشاندن مدارس، به تعطیلی کشاندن کلاسهای دانشجویی. این‌ها نقشه‌های دشمن است. باید مراقب بود. باید در مقابل هر کاری که به این نقشه‌ها منتهی میشود، ایستاد. وحدت را باید حفظ کرد، امید را باید حفظ کرد، تلاش را باید روزه‌روز بیشتر کرد و با یکدیگر صادق بود و دل‌ها را به هم نزدیک کرد و در وظائف گوناگون اجتماعی، باید پرشور حرکت کرد.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

اینکه می‌بینید یقه‌ی جمهوری اسلامی و نظام اسلامی را میگیرند و رها نمی‌کنند، نشانه‌ی این است که ضربه‌ای که جمهوری اسلامی بر پیکر استکبار وارد کرده است، خیلی عمیق بوده. دشمن ما فلان گروهک منزوی یا چهارتا آدم کوچک یا بزرگ نیست. دشمن ما فلان دولت منطقه‌ای عاجز و ناتوان نیست که تو ملت خودش هم پایگاهی ندارد. دشمن ما دستگاه عظیم استکبار است که مهمترین تصمیم‌گیرهایش سرمایه‌داران صهیونیست و کمپانی‌دارها و تراست‌دارها و کارتل‌دارهای گردن‌کلفت دنیایند. این، در مقابل نظام اسلامی ایستاده است و البته از همه‌ی شیوه‌ها هم استفاده می‌کند. ضربه به او خورده است که این جور می‌بینید از همه‌ی امکانات استفاده می‌کند، از همه‌ی وسائل استفاده می‌کند. حالا از ایجاد واگرایی نسبت به عقاید اسلامی، سوق دادن جوان به مواد مخدر، به فساد، به استفاده‌ی از غفلت بعضی از دستگاه‌ها، جوان‌ها را آسیب‌پذیر کردن، تا اختلافات مذهبی، تا اختلاف شیعه و سنی، تا فلان گروهک؛ و اگر دستش برسد در متن مسئولین بالا و نیمه‌بالای جمهوری اسلامی هم نفوذ بکند، این کار را هم می‌کند. همه‌ی تلاش را دارند می‌کنند. با همه‌ی این تلاشها مومنین ایستاده‌اند؛ «کالجیل الراسخ لا تحرکه العواصف». این تندبادها نمیتواند جمهوری اسلامی را تکان بدهد.

بیانات در سالروز عید سعید مبعث / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

در انقلاب، در دفاع مقدس، در آزمونهای گوناگون این سی سال، ملت ما خوب امتحان دادند. به همان مقداری هم که کار کردیم، به همان مقداری هم که حرکت کردیم، خدای متعال دستاورد داد. البته دستاوردها خیلی بزرگ است: «من جا بالحسنه فله عشر امثالها». ده برابر تلاش ما، خدای متعال به ما داد. ما کجا بودیم در دوران طاغوت در بین امت اسلام و در بین ملل عالم؟ منزوی، گمنام، فراموش شده، در درون خود بدون حساسیتهای لازم، بدون آن شجاعتها، بدون آن همت‌هایی که یک ملت را به جهش وادار میکند؛ اینجوری بودیم. امروز جوان ما، دانشمند ما، عالم ما، صنعتگر ما، کشاورز ما، احاد مردم ما، آرزوهای بزرگ دارند، در راه آن آرزوها حرکت می‌کنند و نتیجه‌اش را هم دارید می‌بینید. بزرگترین قدرتهای دنیا، شعار خودشان را قرار داده‌اند مقابله‌ی با جمهوری اسلامی!

بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر / ۱۳۸۸/۰۹/۱۵

چه سودی میرند آن کسانی که سعی میکنند این جمعیت و این جریان عظیم اسلامی را از محدوده‌ی اسلام بیرون نشان بدهند، که سیاستها امروز دنبال آنها نیستند. امروز سیاستها همین را ترویج میکنند؛ چرا؟ چون شیعه به برکت روح ولایت توانسته است کاری را بکند که همه‌ی مسلمانان آرزوی آن را داشته‌اند. همه‌ی مسلمانان خیرخواه و دلسوز و علاقه‌مند آرزو می‌کردند که یک روزی اسلام با همان تمامیت و حقانیت بر کرسی قدرت بنشیند. روشنفکران مسلمان در این یکی دو قرن اخیر در حسرت چنین روزی زندگی کردند و در حسرت او از دنیا رفتند. امروز این را شیعه به وجود آورده است؛ این حاکمیت اسلامی را، این عظمت اسلامی را، این عزت اسلامی را. این، به برکت روح ولایت است. دشمن این را می‌بیند، می‌خواهد دور شیعه را، دور اهل ولایت را خالی کند. لذا امروز اتهامات علیه تشیع از همیشه بیشتر است. در طول تاریخ بوده‌اند افراد کج‌فهم و کج‌تابی که علیه شیعه حرف زدند، اتهامات وارد کردند، دروغهایی ساختند؛ اما امروز از همه‌ی آن اتهامات، حجم اتهامات بیشتر است و اینها دست سیاستهاست؛ چرا این را نمی‌فهمند؟

ما هم باید بفهمیم؛ ما شیعیان هم باید بفهمیم؛ بدانیم سیاست استکبار امروز، جدا کردن شیعه از غیر شیعه است، جدا کردن گروه‌های مسلمان از یکدیگر و به جان هم انداختن گروه‌های مسلمان است. ما باید کمک نکنیم به این هدف؛ ما بایستی نگذاریم دشمن به این هدف برسد؛ هم ما موظفیم، هم غیر شیعه؛ آن کسانی که شیعه نیستند؛ جمعیتها و مذاهب غیر شیعه در اسلام. همه این را بدانند؛ امروز شیعه است که در ایران اسلامی، این پرچم اقتدار اسلامی و عزت اسلامی را بلند کرده است و بر روی دست گرفته و استکبار احساس عجز میکند؛ این یک واقعیت است؛ این یک واقعیت است. این توطئه‌هایی که در این سی سال علیه نظام جمهوری اسلامی از سوی دشمنان گوناگون - البته در راس آنها آمریکا و خبیث‌ترین آنها انگلیس - انجام دادند، به خاطر این است که اینها مرعوبند؛ از حرکت اسلامی، از بیداری اسلامی، از به خود آمدن دنیای اسلام میترسند؛ میدانند که اگر دنیای اسلام به خود بیاید، توجه کند، احساس استقلال کند، احساس هویت کند، احساس عزت بکند، این منطقه‌ی حساس دنیا که در اختیار مسلمانان است - که حساس‌ترین مناطق دنیا، همین منطقه‌ی مسلمان‌نشین است - از تحت سیطره‌ی استکبار بیرون خواهد رفت؛ از این میترسند. چون میترسند، توطئه میکنند؛ ابزارهای گوناگون را به کار میگیرند. امروز سردمداران سیاستهای استکباری - آمریکا و صهیونیستها و بقیه مستکبرین - همه‌ی توان خودشان را به کار گرفته‌اند، بلکه بتوانند ملت ایران را، نظام جمهوری اسلامی را منزوی کنند، بی‌اثر کنند؛ نتوانسته‌اند و به توفیق الهی، به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی باز هم نخواهند توانست.

بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

هر چند صبحی یک بار سیاستگذارانشان، طراحانشان - به قول خودشان - در اتاقهای فکر می‌نشینند و علیه نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران یک طرحی میریزند؛ اما خدای متعال این طرحهای عقیم را خنثی میکند. در این چند روز اخیر، در همه‌ی مطبوعات و رسانه‌های تصویری و صوتی و مکتوب و غیره - که وابسته‌ی به شبکه‌ی صهیونیستی بین‌المللی بود - هیاهو و جنجال کردند، یک تهمت بی‌معنی و مهملی را به چند نفر ایرانی در آمریکا نسبت دادند، این را بهانه‌ای قرار دادند برای اینکه جمهوری اسلامی را به عنوان مدافع تروریسم مطرح کنند! نگرفت، نمیگیرد. اینگونه توطئه‌ها مرتب و پی‌درپی از سوی آنها انجام میگیرد، اما بی‌فایده و بی‌اثر.

میگویند میخواهیم ایران را منزوی کنیم؛ اما خودشان منزوی شدند. امروز در میان ملتها، هیچ دولتی در دنیا به قدر آمریکا منفور نیست. امروز آمریکا منفورترین دولتها و رژیمها در چشم ملتهای منطقه است. شما منزوی هستید که منفورید.

رئیس جمهور آمریکا دو سال قبل به مصر رفت تا یک مقدار تملق اسلام و مسلمانها بکند، بلکه بتواند افکار عمومی دنیای اسلام را به خودش متوجه و معطف کند. نتیجه چه شد؟ یک اقلیت کوچک - یعنی گروه حاکم؛ همین حسنی مبارک معزول برکنار شده - طرفداری کردند، اما عموم ملت مصر و عموم ملتهای منطقه فریب این تظاهر سازی را نخوردند. امروز شما می‌بینید شعار ضد آمریکا در همان کشورها برپاست.

رئیس جمهور آمریکا به کشور افغانستان - که کشور تحت اشغال آنهاست و صد و چند ده هزار نیروی آمریکائی و ناتو در افغانستان هستند - سفر میکند، اما جرات نمیکند از پایگاه بگرام، که پایگاه آمریکائی است، خارج شود؛ با هیچکدام از رجال سیاسی افغانستان در کابل و غیر کابل نتوانست ملاقات کند؛ رفت به پایگاه، از پایگاه آمد بیرون؛ شما از اکثریت مردم میترسید، از اکثریت ملتها میترسید. امروز شما از اکثریت ملت خودتان در آمریکا هم میترسید؛ نشانه‌اش این حرکت و جنبش وال استریت است که به نیویورک محصور نماند؛ در شهرهای متعدد دیگر در آمریکا مردم اظهار نفرت میکنند. پس شما منزوی هستید.

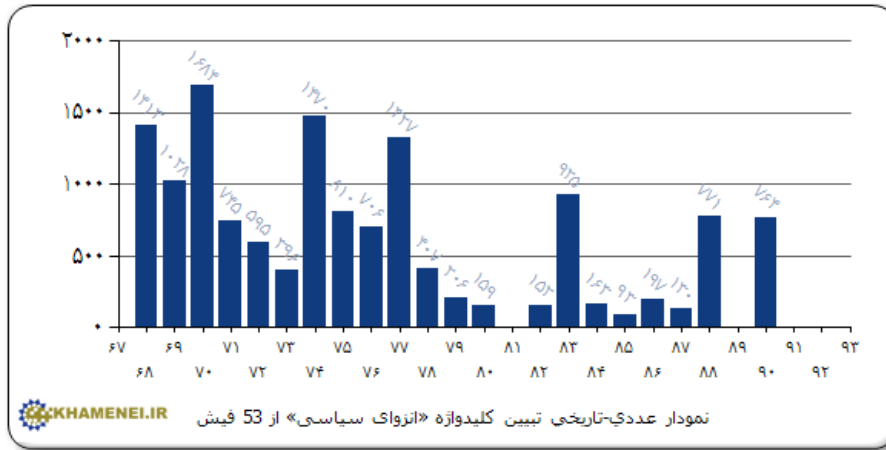
برای اینکه جمهوری اسلامی را منزوی کنند، «ایران‌هراسی» را عمومی کنند، مرتباً حرف پشت سر حرف می‌آورند. نه؛ ایران طرفدار ملتهاست، طرفدار مظلومین است. جمهوری اسلامی با ظلم مخالف است، با ظالم مبارزه میکند، در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی ظالمان و مستکبران هم با همه‌ی وجود می‌ایستد و عقب‌نشینی نمیکند. برای همین است که ملتها هر جایی که جمهوری اسلامی را میشناسند، به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند، طرفدار جمهوری اسلامی‌اند، شعارهای جمهوری اسلامی برای آنها دلنشین است؛ بعکس شما سران رژیم ایالات متحده آمریکا، که در عراق منفورید، در افغانستان منفورید، در مصر منفورید، در تونس بعد از انقلاب منفورید، در لیبی که نیروهای نظامی وارد کردید و تحرک نظامی دارید، منفورید؛ حتی در اروپا منفورید.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

ملت ما از مسائل سیاسی منزوی بود، روگردان بود، حوادث کشور را مورد توجه قرار نمیداد. انقلاب این حالت را از ملت ما گرفت، ما را تبدیل کرد به یک ملت آگاه و سیاسی. امروز نوجوانهای ما هم در دورترین نقاط کشور تحلیل سیاسی میکنند، حوادث سیاسی را درک میکنند، روی هر مسئله‌ای تحلیل میگذارند. قبل از انقلاب اینچنین نبود. سیاست‌گرانی و سیاست‌فهمی مخصوص یک عده‌ی انگشت‌شمار در این کشور بود. مردم عموماً دور از حوادث کشور بودند؛ دولتها می‌آمدند و میرفتند؛ قراردادهای بین‌المللی بسته میشد، کارهای بزرگ در دنیا انجام میگرفت، ملت خبر هم نمیشد. اینها خطوط اصلی این انقلاب است که این حوادث را در این کشور به وجود آورد. این اصول، نهادینه شده است؛ تثبیت شده است. این تحولات، سطحی نیست؛ مقطعی نیست. شعارهای انقلاب، امروز همان شعارهای روز اول است؛ که این نشان‌دهنده سلامت انقلاب است. شعارها مثل انگشت اشاره‌ای هستند که به هدفها اشاره میکنند، هدفها را ترسیم میکنند. وقتی شعارها تثبیت‌شده در یک نظامی، در یک انقلابی باقی ماند، معنایش این است که هدفها در این نظام به شکل اول است؛ هدفها تغییر پیدا نکرده است؛ دست‌اندرکاران و مردم از صراط مستقیم و هدفهای اصلی منحرف نشده‌اند. امروز شعارهای ملت ایران، همان شعارهای اول انقلاب است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمانها ان‌شاءالله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردمسالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیسم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تجمد شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «انزوای سیاسی» :

درونگرایی و برونگرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره) / نویسنده : محمدرضا دهشیری / ۱۳۷۸/۰۱/۰۱